

پژوهشی باستان‌شناختی در بنای آرامگاهی «برج قربان» همدان

رضا نظری‌ارشد*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گرایش دوران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

محمود طاووسی

استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

سوسن بیانی

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

جواد نیستانی

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

(از ص ۱۴۹ تا ۱۶۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۳/۰۳/۰۴

چکیده

استان همدان در پهنه غربی کشور از جمله مناطقی است که بناهای ارزشمندی را از دوران اسلامی در خود جای داده است. بخش مهمی از این آثار را آرامگاه‌ها و یادمان‌های تدفینی تشکیل می‌دهند. یادمان معماری «برج قربان» در شهر همدان از آرامگاه‌های برجی شاخص دوران اسلامی است که تاکنون به‌گونه مطلوبی مطالعه نشده است. به همین منظور نگارندگان، بنای مزبور را از دیدگاه تاریخی، مزارشناسی و باستان‌شناختی مورد مطالعه و پژوهش قرار داده‌اند. برآیند این مطالعات نشان‌دهنده آنست که بنا، مدفن یکی از مفاخر دینی صاحب‌نام عهد سلجوقی به نام «خواجه حافظ ابوالعلاء همدانی» است و ساختمان مقبره در دوره ایلخانان احداث شده است. ویژگی خاص معماری این بنا، کاربست نقشه دوازده ضلعی در داخل و بیرون آن می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: همدان، معماری اسلامی، برج مقبره، دوره ایلخانی، خواجه حافظ ابوالعلاء

* نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Rnazari77@yahoo.com

مقدمه

در ایران دوران اسلامی، بناهای آرامگاهی پس از مساجد در شمار پر تعدادترین آثار معماری قرار دارد. ساخت این بناها که از آنها با اسامی مختلفی از قبیل «قبه»، «مدفن»، «مزار»، «روضه»، «مشهد»، «مقام»، «مقبره»، «بقعه»، «آستانه»، «گنبد»، «قصر» و «امامزاده» نیز یاد می‌شود، از سده چهارم هجری به بعد و با پدیدآیی سلسله‌های مختلف محلی در شرق و شمال ایران که هم‌زمان با تضعیف خلافت عباسی بود، رواج یافت (گرابار، ۱۳۷۵: ۱۶). به خصوص در زمان تسلط حکومت‌های شیعه‌مذهب علویان (۳۱۶-۲۵۰ ق) و آل‌بویه (۴۴۷-۳۲۰ ق) و به سبب قدرت سیاسی آنها، ساخت این نوع بناها - به ویژه آرامگاه‌های مذهبی و بقاع متبرکه - به طور گسترده‌ای انجام پذیرفت و تا دوران بعد نیز تداوم یافت. بخش عمده‌ای از مقابر دوران اسلامی را آرامگاه‌های برجی تشکیل می‌دهد. مقابر برجی با اشکال متنوعی از قبیل مدور و چندوجهی، دارای ویژگی‌های مشترکی چون گنبد بلند خارجی و تأکید بر بلندای ساختمان نسبت به عرض آن است. گرچه برخی از محققان، منشأ و ریشه این نوع بناها را به خیمه‌های ترکی، معابد صابئین، برج‌های نگهبانی چینی و برج آرامگاه‌های تدمری نسبت می‌دهند ولی باید گفت که پیرامون خاستگاه و منشأ اولیه این نوع بناها هاله‌ای از ابهام و عدم قطعیت وجود دارد (هیلن براند، ۱۳۸۳: ۲۸۰). سرآغاز این نوع بناها «گنبد قابوس» با قدمت ۳۹۷ هـ.ق. است، بنای قرص و محکمی که قدرت بی‌چون و چرای خود را بیش از پیش جلوه می‌دهد و در واقع، به عنوان الگویی برای سایر مقابر برجی شکل به‌شمار رفته و از لحاظ مقیاس و ارتفاع، هیچ‌یک از مقابر برجی بعدی با آن برابری نمی‌کند (همانجا). روند تکاملی این نوع برج‌های آرامگاهی در ادوار بعد، از قبیل سلجوقی، ایلخانی و تیموری نیز ادامه می‌یابد.

در استان همدان در غرب کشور نیز تعداد پنج برج مقبره از دوران مختلف اسلامی به یادگار مانده است که در این مقاله به معرفی و تحلیل ویژگی‌های معماری و باستان‌شناختی یک نمونه از آنها به نام «برج قربان» خواهیم پرداخت^(۱). روش تحقیق در این نوشته توصیفی-تاریخی و تحلیلی است که بر بنیاد بررسی‌های میدانی و مطالعات متون تاریخی-جغرافیایی قرون میانه اسلامی و سفرنامه‌ها انجام گرفته است.

موقعیت مکانی

بنای موسوم به برج قربان که در تاریخ ۱۳۵۴/۰۳/۲۸ و به شماره ۳/۱۰۷۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت تاریخی رسیده است، در شرق شهر همدان و در داخل بافت کهن و تاریخی شهر قرار گرفته است. این بنا به فاصله اندکی از حاشیه جنوبی تپه تاریخی مصلی، در یکی از محله‌های قدیمی همدان که در گذشته به «باب‌الاسد» و «سربرزه» مشهور بوده، در حد فاصل خیابان‌های مدنی و طالقانی، قرار دارد (تصویر ۱).

پیشینه تحقیق

نخستین بار، «مصطفوی» آرامگاه برجی «قربان» را معرفی و به توصیف برخی ویژگی‌های معماری آن پرداخته است (مصطفوی، ۱۳۳۲: ۱۹۴-۱۸۷). «کلیس» نیز از جمله پژوهشگرانی است که بنا را به طور مختصر مطالعه و معرفی کرده است (Kleiss, 1975: 245). «عندلیب‌زاده» و «صابری» هم، درباره مباحث مزارشناختی و نسب‌شناسی فرد مدفون در مزار مطالعاتی انجام داده‌اند (صابری، ۱۳۷۵: ۲۱۵). در برخی از کتب مربوط به

فهرست بناهای تاریخی ایران (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۰۳؛ غروی، ۱۳۷۶: ۳۸۳) و دایرةالمعارف‌ها (ملازاده و محمدی، ۱۳۷۸: ۲۳۹؛ Mousavi, 2003: 614) نیز، به این بنا اشاره شده است. همچنین از این اثر، در تعدادی از سفرنامه‌های دوران متأخر اسلامی نام به میان آمده ولی در متون تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی به بنایی با نام «قربان» در همدان اشاره‌ای نشده است. «حمدالله مستوفی» در کتاب خود «تذهةالقلوب» در معرفی شهر همدان، پس از بیان تاریخچه ساخت شهر می‌نویسد: «... و درو مزارات متبرکه مثل قبر خواجه حافظ ابوالعلائی همدانی و باباطاهر و عین‌القضات و... بسیار است...» (مستوفی، ۱۳۷۸: ۱۱۵). «جکسن» سیاح و مستشرق آمریکایی که در عهد قاجاریه (۱۹۰۶ م) به همدان آمده، در سفرنامه خود به بنای برج قربان اشاره کرده و در این خصوص چنین نوشته: «در نزدیکی مجسمه شیر سنگی و در قسمت جنوب شرقی، ساختمان برج‌آسایی است که مردم معمولاً آن را «برج قربان» می‌خوانند، اما میرزا ضحاک از ایرانیان هوشمند، مرا متوجه این نکته کرد که این برج منسوب به زرتشتیان و به عبارت دیگر از آتشکده‌های زرتشتی است» (جکسن، پیشین: ۱۸۳). او در ادامه به توصیف برخی از ویژگی‌های بنا پرداخته و می‌نویسد: «این برج ساختمان ده ترکی است که از آجرهای معمولی ایرانی ساخته شده و نه از خشت‌هایی که در ری و اصفهان دیده می‌شود» (همان: ۱۸۴). جالب آن که، جکسن در توصیف معماری بنا، دچار اشتباه شده و بنا را ده ضلعی دانسته، حال آن که ساختمان برج با نقشه دوازده ضلعی ساخته شده است. ایشان در بخش دیگری از سفرنامه خویش می‌نویسد:

«ظاهر این برج، ساختمان برج‌آسای دیگری را به یاد من آورد که در قسمت شمالی شهر دیده بودم و گنبد علویان خوانده می‌شد. دیدن برج قربان، همان تأثیر گنبد علویان را به من بخشید، یعنی به این نتیجه رسیدم که تاریخ بنای این دو ساختمان نباید از قرن سیزدهم میلادی (قرن هفتم هجری) یعنی دوره تسلط مغول، قدیم‌تر باشد. در قسمت خارج برج، چیز خاصی ندیدم که به خصوص حاکی از تأثیر کیش زردشتی باشد و در قسمت فوقانی برج، چهار روزنه قرار دارد که نور کافی به درون برج می‌پراکند. قاب‌های چوبی پیرامون این روزنه‌ها تا حدی سوخته است... قسمت داخلی برج خالی بود و تنها مدخلی که در کف زمین دیده می‌شد، پلکان نامرتبی بود که شاید روزگاری به مقبره زیرزمین منتهی شده است» (همان جا).

«گروته» نیز در سفرنامه خود، فقط از این بنا نام برده است (گروته، ۱۳۶۹: ۱۹۹). «ماتیسون» نیز از این بنا، دیدن کرده و ساخت آن را همانند جکسن به سده سیزدهم میلادی منسوب کرده است (ماتیسون، ۱۳۸۰: ۴۸۴).

توصیف کلی بنا

بنا از نوع مقابر برجی با نقشه دوازده ضلعی بیرونی و داخلی با گنبد دو پوسته هرمی دوازده وجهی بیرونی و گنبد نیم‌دایره‌ای داخلی و به ارتفاع ۱۶ متر است. مقبره، به طور کلی از سه طبقه سرداب، بدنه و گنبد تشکیل شده است. ورودی بنا در ضلع شرقی و در داخل یکی از اضلاع دوازده‌گانه آن قرار گرفته است. ساختمان برج تا چندی پیش، در داخل بافت کهن و فرسوده با معابر تنگ و پیچ‌درپیچ بخش شرقی شهر جای داشت و حتی قسمتی از آن در داخل منازل مسکونی مجاور برج قرار گرفته بود که از این حیث صدمات فراوانی به بنا وارد شده بود (تصویر ۲). خوشبختانه با اقدامات سازمان میراث فرهنگی استان در راستای فضاسازی بهینه در اطراف برج و آزادسازی آن از حیطه ساختمان‌های مسکونی مجاور، تمامی این ساختمان‌ها به تملک قانونی میراث

فرهنگی درآمده و سپس تخریب شده است (تصویر ۳). هم اکنون بنا به کلی از هر سو آزاد بوده و با مرمت‌های انجام گرفته در آن، از وضعیت مطلوبی برخوردار است (تصاویر ۴ و ۵).

تاریخچه بنا

بنا فاقد کتیبه تاریخی ساختمان و نام بانی است. با این وجود، بر روی سنگ قبری که در داخل ساختمان قرار دارد، کتیبه‌ای مشاهده می‌شود که این نوشته، قدیمی‌ترین و در عین حال تنها کتیبه تاریخی موجود در بنا است. نوشته‌های زیر در شش سطر بر روی سنگ قبر مذکور مشاهده می‌شود:

«یا غفار الذنوب - هذا قبر المرحوم المغفور الواصل الی رحمة الله تعالی محمد فی شهر ذیحجه الحرام غفرله سنة ۱۰۹۰». البته تاریخ مذکور ممکن است ۱۰۰۹ ق. هم باشد و به هر صورت مربوط به دوره صفوی است و ارتباطی با زمان ساخت بنا ندارد. بنای مورد نظر، تاکنون چندین بار مرمت و بازسازی شده و از خطراتی که آن را تهدید می‌کرده، رهایی یافته است. نخستین مرحله از مرمت‌های انجام گرفته در این یادمان، مربوط به سال ۱۳۲۸ خورشیدی است که در این سال، برای بازسازی گنبد فروریخته بنا به شکل اولیه اقدام شد. سپس در سال ۱۳۲۹، پس از تکمیل مرمت و بازسازی گنبد، ازاره سنگی بیرونی و همچنین بخش‌های مختلف داخل بنا و سرداب، مرمت و بازسازی شد. در سال ۱۳۶۴، تعمیراتی روی بدنه برج انجام گرفت و در سال ۱۳۷۶ نیز جهت رطوبت‌زدایی، کانال گریه‌رویی در اطراف آن تعبیه گردید و تا شعاعی که فضای اطراف اجازه می‌داد سنگ فرش شد. از آنجا که بنای مذکور، تا چندی پیش در مجاورت بافت مسکونی و حتی در داخل محوطه برخی منازل مسکونی قرار گرفته بود و از همین حیث صدمات فراوانی به بنا وارد شده بود، سازمان میراث فرهنگی استان، در طی چند مرحله، به خریداری منازل مسکونی مذکور و سپس تخریب آنها اقدام نمود که در نتیجه فضای اطراف «برج قربان» تا شعاع چندین متری از محاصره هرگونه بنای دیگری رها و آزاد شده است^(۲).

درباره وجه تسمیه بنا نیز نگره‌ها و اقوال چندی مطرح است. نخست آن که گفته می‌شود در فتنه افغان، شخصی قربان نام، برج را سنگر قرار داده و با یاری دیگر مردم به مقابله با افغان‌ها پرداخته، لذا این بنا، برج قربان نام گرفته است (خان‌زاده، ۱۳۶۲: ۳۳). دیگر اینکه، گفته شده در داخل برج، اهالی در موارد معینی، شتری را قربانی می‌کنند و از این‌رو، این برج را برج قربان نامیده‌اند (جکسن، ۱۳۸۷: ۱۸۴). برخی دیگر نیز احتمال داده‌اند که «قربان» نام بنا یا معماری بوده که برج را ساخته و یا اینکه به تعمیر و بازسازی آن اقدام کرده است (جهانپور، ۱۳۷۹: ۲۵۱).

انگاره‌های مزارشناختی

درباره شناخت هویت و نسب فرد مدفون در بنا و شناسایی فردی که برج مقبره برای او ساخته شده، می‌بایست اشاره کنیم که اولاً؛ سنگ مزار کنونی موجود در داخل بنا به تاریخ ۱۰۰۹ یا ۱۰۹۰ ق. که شرح نوشته‌های آن پیش‌تر ذکر شد، هیچ ارتباطی با تاریخ و دوره ساخت بنا که بر اساس مطالعات باستان‌شناختی و مقایسه‌های سبک‌شناختی به قرون هفت یا هشت هجری مربوط می‌شود، ندارد و در دوره صفوی در داخل بنا قرار گرفته است.

ثانیا، پیشنهاد می‌شود که مطابق با نگره‌های برخی محققان، این بنا را مدفن و مزار «شیخ‌الاسلام امام قطب‌الدین حسن بن احمد عطار همدانی حافظ ابوالعلاء» (۵۶۹-۴۸۸ ق)، مقری محدث و از جمله مفاخر و بزرگان نیک‌نام همدان بدانیم. وی در باب علوم قرآنی حدود پنجاه کتاب تألیف کرده و از احترام و جایگاه علمی و دینی فراوانی در دوره حیات خود برخوردار بوده است. «یاقوت حموی» سلسله نسب «حافظ ابوالعلاء» را چنین نوشته است: «ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن بن احمد بن محمد بن سهل بن سلمه بن عشکل بن حنبل بن اسحاق» و افزوده است که «عشکل» عرب بوده است. «عندلیب‌زاده» نیز در این خصوص معتقد است که «عشکل» که جد اعلی حافظ بوده، عرب است ولی او و اعضای دیگر خاندانش ایرانی و از همدان بوده‌اند و در «باب‌الاسد» می‌زیسته‌اند. اطراف مسجد و بقعه سابقا محوطه محصور وسیعی بوده که گویا تا چندی پیش آثاری از دیوارهای آن باقی بوده است^(۳) (مصطفوی، پیشین: ۱۹۲).

تنی چند از شاعران بزرگ نیز، نظر به مقام و جایگاه علمی و دینی ایشان، در مدحش اشعاری سروده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنان می‌توان به «ابوعبداله مغربی»، «علامه افضل‌الدین ابوعمر و کرخی» و «خاقانی شروانی» اشاره نمود. خاقانی در کتاب «تحفة‌العراقین» خود که حاصل سیر و گشت او در مسیر بازگشت از حج، در عراق عرب و عجم بوده، اشعاری را در مدح ایشان سروده است^(۴).

«حمداله مستوفی» مورخ و جغرافیانگار نامدار سده هشتم هجری در دو کتاب خود به نام‌های «نزهة‌القلوب» و «تاریخ گزیده» از خواجه حافظ ابوالعلاء، نام برده و به صراحت درگذشت او را در همدان تأیید می‌نماید. در کتاب «تاریخ گزیده» آمده: «شیخ حافظ ابوالعلاء حسن بن عطار همدانی در سنه ۵۶۹ ق. به عهد خلیفه «مستنجد» به همدان درگذشت و به محله‌ای در «باب‌الاسد» مدفون است»^(۵) (مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۶۶).

عده‌ای از محققان با تکیه بر مطالب برخی کتب تاریخی به ویژه «راحة‌الصدور» معتقدند که در جوار مزار مزبور (مقبره خواجه حافظ ابوالعلاء) جمعی از امرا و سلاطین سلاجقه نیز مدفون می‌باشند (مصطفوی، پیشین: ۱۹۰). شواهد مکتوب تاریخی نشان می‌دهد، دو تن از سلاطین سلاجقه عراق عجم (جبال) در همدان در داخل یکی از مدارس معروف آن روزگار به خاک سپرده شده‌اند. طبق روایت راوندی، «سلطان مسعود سلجوقی» در سال ۵۴۷ ق در همدان درگذشته است (راوندی، ۱۳۶۴: ۲۴۵). وی در این باره می‌نویسد: «سلطان مسعود در شب غره رجب به رحمت خدای تعالی انتقال کرد، در کوشکی که در میان میدان ساخته بود و هم در آن شب او را به همدان بردند و به مدرسه «سربرزه» دفن کردند» (همانجا). یادآور می‌شویم که «سربرزه» نام محله‌ای بوده که مدرسه مذکور در آن قرار داشته است. همچنین، ایشان از دفن یکی دیگر از امرای سلجوقی جبال به نام «طغرل بن محمد» در همان مدرسه خبر می‌دهد. با توجه به این که «خواجه حافظ ابوالعلاء» از رجال دینی مشهور و صاحب‌نام همدان بوده و در مدرسه‌ای که خود ریاست آن را بر عهده داشته به تدریس علوم دینی مشغول بوده، به نظر می‌رسد با موجود بودن چنین مدرسه‌ای، اگر قرار بوده امرای بزرگ سلجوقی را در مدرسه‌ای به خاک سپارند، به احتمال قریب به یقین، نخست، مدرسه ابوالعلاء را انتخاب می‌کردند. از برخی نکات که به اشاره از تاریخ‌نگاران بازمانده است، چنین برمی‌آید که به جز مدرسه مذکور که محل وعظ و درس خواجه ابوالعلاء بوده، بناهای دیگری همچون مسجد، کتابخانه، خانقاه و مقبره به صورت مجموعه بزرگی در جوار مدرسه مذکور وجود داشته که از اهمیت شایان توجهی برخوردار بوده است. تنی چند از محققان، برج را

همان مسجد ابوالعلاء می‌دانند، ولی می‌بایست اشاره کرد که این بنا هیچ‌گونه تشابهی به معماری مساجد ندارد و صرفاً کارکرد تدفینی داشته است. به احتمال فراوان، برج قربان کنونی در جوار مجموعه بناهای پیش‌گفته قرار داشته که هم‌اکنون به عنوان تنها بنای بازمانده از آن مجموعه بزرگ، خودنمایی می‌کند.

مصالح

بنا تماماً از آجر با ملات ساروج ساخته شده است. در برخی از قسمت‌های داخل و همچنین گنبد بیرونی از آجرهای جدید با مصالح گچ و خاک استفاده شده که این مصالح مربوط به مرمت‌های جدید می‌باشد. ازاره اطراف بنا تا ارتفاع ۵۰ سانتی‌متری از سطح زمین‌های اطراف با سنگ‌های تراش‌دار جدید ساخته شده است.

تحلیل معماری

الف) نقشه

ساختمان برج با نقشه دوازده ضلعی، به قطر داخلی ۴/۹۰ متر و قطر بیرونی ۶/۲۰ متر ساخته شده است. ضخامت دیوارها تقریباً ۱/۳۰ متر است. ورودی و درگاه بنا به عرض ۸۰ و عمق ۵۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۲ متر در ضلع شرقی واقع شده است. اضلاع دوازده‌گانه بیرونی بنا، هر یک به عرض ۲ متر است که در داخل هر یک از آنها نغول‌هایی مستطیل‌شکل با طاق‌نمایی بلند با قوس جناغی به ارتفاع ۶ متر قرار گرفته است. نقشه داخلی بنا نیز دوازده ضلعی بوده که در هر ضلع آن، طاق‌نمایی تعبیه شده است (نقشه ۱).

ب) نماها

ب-۱) نما و تزیینات بیرونی

نمای بیرونی بنا از دو قسمت بدنه و گنبد بیرونی تشکیل شده است (تصویر ۶، طرح‌های ۱ و ۲). بدنه بیرونی بنا به صورت دوازده ضلعی ساخته شده و سرتاسر ازاره بیرونی بنا تا ارتفاع ۵۰ سانتی‌متری، با سنگ‌های تراش‌دار مکعبی‌شکل ساخته شده است. به عبارت دیگر، بدنه آجری بنا بر روی همین پی سنگی قرار گرفته است (تصویر ۷). هر یک از اضلاع دوازده‌گانه برج به عرض ۲ متر است که در سطوح داخلی هر یک از اضلاع مذکور، طاق‌نمایی به ابعاد، عرض ۱/۲۵، عمق ۱۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۶ متر وجود دارد که طاق‌نماهای مذکور هر یک، در داخل نغول‌ها یا قاب‌های مستطیلی قرار گرفته‌است. ورودی بنا در جهت شرق و در داخل یکی از اضلاع دوازده‌گانه بنا تعبیه شده است. ابعاد درگاه ورودی، به عرض ۸۰ سانتی‌متر، عمق ۵۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۲ متر است. به فاصله ۱/۲۰ متر بالاتر از مدخل بنا، دریچه‌ای به ابعاد، عرض ۴۰، ارتفاع ۵۰ و عمق ۹۰ سانتی‌متر وجود دارد که به صورت مشبک آجری ساخته شده است. به جز دریچه مذکور، سه دریچه دیگر با همین ابعاد و به صورت قرینه در چهار سمت بنا تعبیه گردیده که این دریچه‌ها یا نورگیرها بخشی از روشنایی و نور داخل برج مقبره را تأمین می‌کند. بدنه دوازده ضلعی بنا تا ارتفاع هشت متری امتداد می‌یابد و سپس به وسیله قسمت انتقالی به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر که بدون هیچ‌گونه تزیین خاصی است، گنبد هرمی بنا بر روی بدنه ایجاد شده است. ارتفاع گنبد ۸ متر است که آن نیز تماماً آجری و ساده ساخته شده است. به طور کلی، به جز موارد ذکر شده، هیچ‌گونه تزیینی در نمای بیرونی مشاهده نمی‌شود و ساختمان بنا بسیار ساده و بدون کتیبه،

گچ‌بری و دیگر تزیینات و با آجرکاری ساده ساخته شده است. گنبد بیرونی به صورت رک و چند وجهی (۱۲ ضلعی) و گنبد داخلی نیز به صورت نیم‌کروی یا نیم‌دایره‌ای است. فاصله بین دو پوسته گنبد، تقریباً ۶ متر است.

ب-۲) نما و تزیینات داخلی

بدنه داخلی بنا نیز به مانند نمای بیرونی آن دوازده ضلعی است که در هر ضلع آن طاق‌نمایی قرار گرفته است (تصویر ۸). طاق‌نماهای مذکور در ارتفاع ۶۰ سانتیمتری از کف مقبره قرار گرفته‌است. ابعاد این طاق‌نماها به عرض ۹۰ سانتیمتر، عمق ۲۰ سانتیمتر و ارتفاع تقریبی ۳/۸۰ متر است که با قوس جناغی پوشش یافته‌است. این طاق‌نماها در قسمت فوقانی به وسیله ۲۴ طاق‌نمای کوچک به پوسته داخلی گنبد پیوند خورده که با کاربست این فن، گنبد نیم‌کروی داخلی بر روی بدنه دوازده ضلعی ایجاد شده است (تصویر ۹؛ طرح‌های ۳ و ۴). طاق‌نماهای داخلی بنا نیز به مانند طاق‌نماهای بیرون، تماماً با آجرکاری ساده و بدون هیچ‌گونه تزیین خاصی ساخته شده‌است. در داخل چهار طاق‌نما از مجموع دوازده طاق‌نمای بیرونی و داخلی، چهار دریچه یا نورگیر مشبک آجری تعبیه شده که این نورگیرها از داخل با قاب‌های چوبی ساده‌ای پوشش یافته‌است. «جکسن» در سفرنامه خود، به این قاب‌های چوبی که گویا در آن زمان بر اثر آتش‌سوزی آسیب دیده بوده، اشاره کرده است. کف مقبره با آجر پوشیده شده که مربوط به مرمت‌های سال‌های اخیر است. سنگ قبری نیز در سطح کف بنا به ابعاد $۵۰ \times ۱/۲۵$ سانتیمتر وجود دارد که بر روی طاق سرداب قرار گرفته است. همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد بر روی این سنگ مزار، نوشته‌هایی به صورت برجسته در شش سطر و با تاریخ ۱۰۰۹ ق. مشاهده می‌شود که گویا (مطابق با نوشته‌های سنگ مزار) این سنگ قبر متعلق به فردی به نام «محمد» بوده است. تاریخ ذکر شده، بر روی سنگ قبر مؤید دوره صفویه است و ارتباطی با زمان ساخت برج که مربوط به ادوار پیش از صفوی است، ندارد. درباره «محمد» نامی که در سنگ مزار مزبور به آن اشاره شده، می‌توان احتمال داد که او یکی از علما، روحانیون یا از کارگزاران عالی رتبه دوره صفویه در همدان بوده که پس از مرگ در این برج مدفون شده است. ارتفاع داخل برج از کف آن تا زیر سقف گنبد نیم‌کروی داخلی ۷/۸۰ متر است. در طبقه زیرین برج، سرداب قرار گرفته که مدخل آن در سمت شمال غربی بیرون بنا است. مدخل سرداب در سال ۱۳۲۹ خورشیدی و ضمن انجام تعمیرات و مرمت‌های بنا، یافته شد. سقف سرداب به صورت طاق ضربی آجری ساخته شده است و هیچ‌گونه تزیینی در آن جا مشاهده نمی‌شود.

نتیجه

یادمان موسوم به برج قربان فاقد کتیبه تاریخی ساختمان، نام بانی و تبار شخص مدفون است. با مطالعه متون تاریخی و بررسی‌های باستان‌شناختی دانسته شد که بنا، مدفن و خاک‌جای «شیخ‌الاسلام حافظ ابوالعلاء» محدث، قاری و عالم دینی نامدار قرون پنجم و ششم هجری است. بنا، به طور کامل با آجر ساخته شده و تزیین و آرایه خاصی از قبیل گچ‌بری، کاشی‌کاری و آجرکاری با طرح‌های مختلف تزیینی در آن به کار نرفته است. معمار از نقشه دوازده ضلعی در طراحی ساختمان استفاده کرده است^(۶). کاربست این نوع نقشه، بر

مرکزیت بنا تأکید داشته و ضمن مطرح‌نمودن خود در محیط به عنوان مرکز، با قرارگرفتن هر شیئی در میان بنا (قبر و ضریح)، تأکیدی دو چندان به آن می‌دهد.

بناهایی همچون؛ برج مقبره موسوم به «بابا حسین» در ملایر (دوره ایلخانی) (نقشه ۲) (نظری‌ارشد، ۱۳۹۲: ۲۰۴-۱۹۴)، برج مقبره موسوم به «امامزاده هود» در درجین همدان (دوره ایلخانی) (نقشه ۳) (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۰۴؛ نظری‌ارشد، پیشین: ۲۴۷-۲۳۷: ۱۰۷: ۱۹۷۱، Kleiss)، برج مقبره «خواجه اصیل‌الدین» قم (دوره ایلخانی) (نقشه ۴) (عرب، ۱۳۷۶: ۲۵۶؛ همو، ۱۳۸۱: ۱۵۳؛ ملازاده و محمدی، ۱۳۷۸: ۳۲۱)، برج مقبره «خواجه علی صفی» قم (دوره ایلخانی) (نقشه ۵) (عرب، ۱۳۷۵: ۶۰۲؛ همو، ۱۳۸۱: ۱۵۳؛ عرب و موسوی: ۱۳۸۶: ۱۲۵) از لحاظ نقشه با بنای برج قربان همدان مشابهت فراوانی دارد.

با توجه به مسئله آب‌وهوا و بارندگی، در ساخت بنا از گنبد دوپوش استفاده شده است. پوشش بیرونی جهت محافظت ساخته شده و با این شیوه گنبد داخلی از رطوبت محفوظ می‌ماند و در ارتفاع کمتری قرار می‌گیرد تا بیشتر در معرض دید باشد. معمولاً گنبدهای بیرونی، بلند و مرتفع ساخته می‌شود تا از فاصله‌های دور به خوبی دیده شود. این شیوه معماری، خود، حالت دینی و احترام بیشتری برای مقابر کسب کرده است (حاتم، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

گنبد بیرونی بنا نیز از نوع گنبدهای هرمی دوازده وجهی است. بناهایی با گنبدهای کثیرالاضلاع در نقاط مختلف ایران در معماری دوران اسلامی وجود دارد. ساختمان‌هایی با گنبدهای هشت وجهی متعلق به دوران ایلخانی و تیموری در قم و مازندران وجود دارد. همچنین نمونه‌هایی از گنبدهای دوازده وجهی همانند گنبد برج قربان همدان، در آرامگاه‌هایی همچون؛ امامزاده یحیی در ساری (قرن نهم) (نیستانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶؛ ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۶۳۴)، بقعه شاه رکن‌الدین در دزفول (تیموری؟) (اقتداری، ۱۳۷۵: ۵۶۴)، بقعه ابولؤلؤ در کاشان (پیش از دوره صفوی) (ملازاده و محمدی، پیشین: ۲۵۲)، امامزاده بابا رکن‌الدین در مزارستان تخت فولاد اصفهان از دوره صفوی (فقیه میرزایی، ۱۳۷۱: ۱۳)، امامزاده عبدالقهار دوره صفوی در کیلومتر ۱۷ جاده کرج به قزوین (ملازاده و محمدی، پیشین: ۱۸۱) و... مشاهده می‌شود. بیشتر این گنبدها بر روی منطقه انتقالی بلندی قرار گرفته‌است، حال آنکه گنبد بیرونی برج قربان، به طور مستقیم بر روی بدنه بنا قرار دارد. از ویژگی‌های تزئینی بنا تأکید بر عنصر معماری به عنوان عنصر تزئینی است، بدین ترتیب نغول‌ها، طاق‌نماها، دریچه‌های نورگیر و... هر یک به گونه‌ای ماهرانه و استادانه نقش اصلی تزئین را با ترتیبی هماهنگ و متقارن و با سادگی کامل در سطوح بنا به وجود آورده‌است. ویژگی‌هایی که برای بنای برج قربان از لحاظ نقشه، نما و گنبد ذکر شد، بیشتر در بناهای دوره ایلخانی دیده می‌شود. با توجه به این مشخصات، به احتمال فراوان، ساختمان برج قربان در دوره ایلخانی (اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم ق.) احداث شده است.

پی‌نوشت

۱. نگارنده اول مقاله برآیند مطالعات خود، در خصوص بناهای آرامگاهی استان همدان را در قالب دو کتاب با عناوین «بناهای آرامگاهی شهرستان همدان در دوران اسلامی» و «بررسی و تحلیل باستان‌شناختی مقابر برجی دوران اسلامی در استان همدان» آماده چاپ کرده است که به زودی انتشار خواهند یافت.

۲. یادآور می‌شود در سال ۱۳۶۴ خورشیدی و در جریان جنگ تحمیلی و بمباران هوایی همدان، خسارات فراوانی به بنا وارد شد که بلافاصله به وسیله کارشناسان دفتر فنی سازمان حفاظت آثار تاریخی (سابق) نسبت به تعمیر و مرمت آسیب‌های وارده به بنا، اقدام شد. برخی از این اقدامات که در گزارش مرمت‌های بنا به آنها اشاره شده عبارتند از:

ترمیم شکاف‌های ایجاد شده در دیوارهای بنا، مرمت نمای داخلی و احیای بندهای فرسوده، برداشتن خاک‌های اضافی موجود در حفاصل پوسته داخلی و بیرونی گنبد به مقدار هشت متر مکعب، تعویض و مرمت سنگ‌های تراش‌دار قسمت تحتانی در نمای بیرونی بنا و همچنین محوطه‌سازی و شیب‌بندی خارج بنا به جهت دورنمودن آب‌های سطحی از این بنا، خاک‌برداری از فضای داخلی سرداب و لایه‌برداری از سطوح داخلی بنا و نصب در ورودی مناسب در نمای بیرونی بنا، تسطیح و خاک‌برداری زمین‌های اطراف و کف‌سازی در داخل بنا با الگوی مناسب با مصالح قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای.

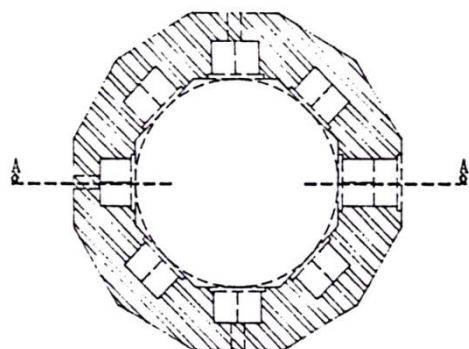
۳. «حافظ ابوالعلاء» برای فراگرفتن نحو، لغت، علوم قرآنی و حدیث به بغداد، اصفهان و خراسان سفر کرده و اساتیدی چون؛ عبدالرحمن بن محمد دونی، ابو عبدالله حسین بن محمد بارع، ابوالقاسم ابن بیان و ابوعلی حسن بن احمد حداد... را درک و سپس به مسقط‌الرأس خود، همدان، مراجعه و تا پایان عمر، وقت خویش را به آموزش قرآن و حدیث صرف نمود (خان‌زاده، پیشین: ۳۳). از نوشته‌های برخی متون تاریخی چنین برمی‌آید که «حافظ ابوالعلاء» در منزل خود کتابخانه بسیار بزرگی داشته که مورد استفاده طلاب آن روزگار بوده است و بسیاری از همان کتاب‌ها نیز حاصل تحقیق و مطالعه خود او بوده‌اند (صابری، ۱۳۷۵: ۱۶۲). از نوشته‌های همین متون دانسته می‌شود که او با وجود نفوذی که در میان صاحبان قدرت داشت، هرگز بدیشان نزدیک نمی‌شد و کمک مالی آنها را قبول نمی‌کرد. یاقوت به نام‌های احترام‌آمیز که خلیفه «مقتفی» (۵۵۵-۵۳۰ ق.) بدو نوشته، اشاره کرده است (پاکتچی، ۱۳۷۳: ۲۶).

۴. خاقانی در این باره چنین سروده است: «در مدح قدوة المفسرین امام‌الدین حافظ ابوالعلاء»:

پی‌ریایه شرع امام حافظ	تلقین ده اصمعی و جاحظ
در مدرسش از پی بیانی	بو عمر کمینه، عشر خوانی
جبریل امین بلوچ ایمان	بر حافظ حفظ کرده قرآن
پیشش ز برای درس تنزیل	طفلی متعلم است جبریل
این قصه به خلد باز گفتند	حوران ز سر نیاز گفتند
کین حافظ کیست؟ گفت رضوان	پیریست خزانه دار قرآن
بالای جنان قرار جاهش	شهر همدان قرارگاهش
با وحی به جان گرفت پیوند	باشد سخنان وحی مانند
دین پایگه از پناه او یافت	زو جاه علاء دین علو یافت
هر جا که نه اوست حارس دین	مدروس بود مدارس دین

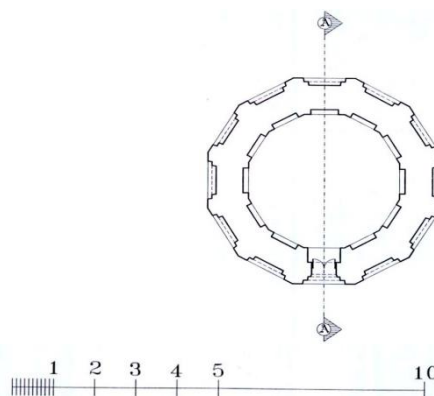
۵. یادآور می‌شود با توجه به فرارگیری مجسمه شیرسنگی بازمانده از دوران پیش از اسلام در دروازه شرقی همدان، این دروازه و منطقه‌ای که این دروازه در آن جای گرفته در متون دوران اسلامی به «باب‌الاسد» نامبردار شده است. در حال حاضر نیز مجسمه شیرسنگی تا برج قربان فاصله چندانی ندارد و انتساب این منطقه به «باب‌الاسد» و «سربرزه» در متون دوران اسلامی با مکان‌گزینی امروزی، مطابقت دارد.

۶. بعضی از پژوهشگران، در شمارش عناصر معماری، مانند دوازده ضلعی بودن مقابر، آن را نشانه دوازده امام شیعیان و یا علائم بروج دوازده‌گانه می‌دانند (ویلبر و گلمبک، پیشین: ۲۷۹). برخی دیگر در درستی چنین انگاره‌هایی، تردید دارند (هیلن براند، ۱۳۸۳: ۲۶۸).



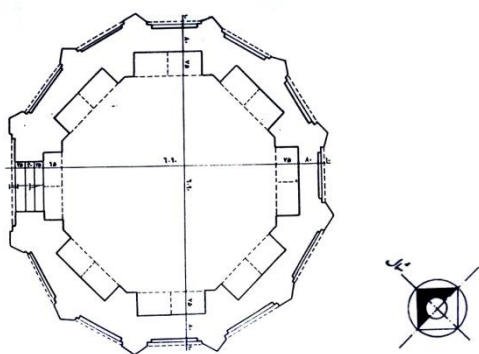
(نقشه ۲) پلان برج مقبره باباحسین، ملایر

مأخذ: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان



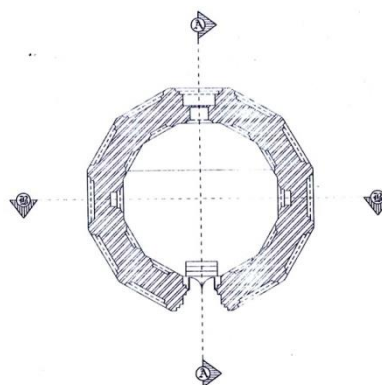
(نقشه ۱) پلان برج قربان

مأخذ: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان



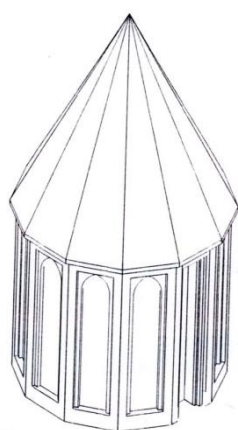
(نقشه ۴) پلان برج مقبره خواجه اصیل الدین، قم

مأخذ: (عرب، ۱۳۷۳: ۹۶)



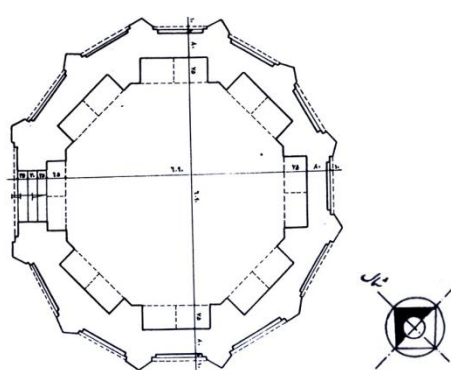
(نقشه ۳) پلان برج مقبره امامزاده هود، درجزین

مأخذ: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان



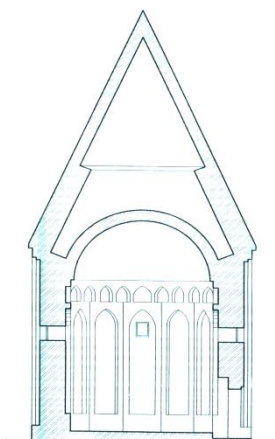
(طرح ۱) پرسپکتیو برج قربان

مأخذ: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان



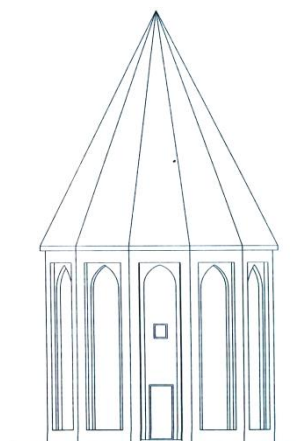
(نقشه ۵) پلان برج مقبره خواجه علی صفی، قم

مأخذ: (عرب، ۱۳۷۳: ۱۲۶).



(طرح ۳) برش الف-الف ساختمان مقبره

مأخذ: (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان)



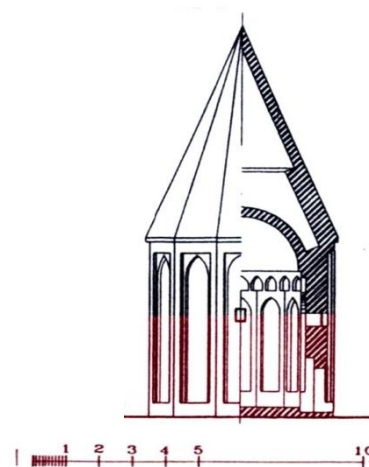
(طرح ۲) نمای شرقی بنا

مأخذ: (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان)



(تصویر ۱) عکس ماهواره‌ای موقعیت مکانی برج قربان

مأخذ: (Google Earth: 2013)



(طرح ۴) برش و نمای ساختمان مقبره

مأخذ: (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان)



(تصویر ۳) موقعیت بنا پس از تخریب ساختمان‌های مجاور

مأخذ: (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان

همدان، ۱۳۸۰)



(تصویر ۲) بنای برج قربان در داخل بافت مسکونی

مأخذ: (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان

همدان، ۱۳۷۶)



(تصویر ۵) نمای کلی بنا، دید رو به غرب
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲



(تصویر ۴) اقدامات حفاظتی و مرمتی در بنا
مأخذ: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان
همدان، ۱۳۷۶



(تصویر ۷) سنگ‌های تراش‌دار مکعبی شکل در پی بنا
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲



(تصویر ۶) نمای بیرونی بنا، بدنه و گنبد
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲



(تصویر ۹) گنبد عرقچین و آهیانه داخل بنا
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲



(تصویر ۸) مدخل بنا و طاق‌نماهای تزیینی داخل ساختمان
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

منابع

- اقتداری، احمد (۱۳۷۵)، آثار و بناهای تاریخی خوزستان، نشر اشاره، تهران.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۳)، «ابوالعلاء همدانی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ششم، [به کوشش: کاظم موسوی بجنوردی]، مؤسسه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: ۲۷-۲۵.
- جکسن، آبراهام (۱۳۸۷)، سفرنامه: ایران در گذشته و حال، [ترجمه: منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای]، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- جهانپور، علی (۱۳۷۹)، دیدنی‌های همدان، فن‌آوران، همدان.
- حاتم، غلام‌علی (۱۳۷۹)، معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- خاقانی شروانی (۱۳۵۷)، تحفة العراقین، [طبع یحیی قریب]، کتاب‌های جیبی، تهران.
- خان زاده، منصور (۱۳۶۲)، همدان (آثار تاریخی)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، همدان.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۴)، راحة الصدور و آیه‌السرور، [به اهتمام و تصحیح محمد اقبال، به انضمام حواشی و فهارس با تصحیحات لازم، مجتبی مینوی]، امیرکبیر، تهران.
- صابری همدانی، احمد (۱۳۷۵)، تاریخ مفصل همدان، جلد اول، عین‌القضات همدانی، همدان.
- عرب، کاظم (۱۳۷۳)، «بررسی ویژگی‌های مقابر قرن هفتم هجری در دروازه کاشان قم»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- عرب، کاظم، «نگرشی بر برج مقبره خواجه علی صفی در قم»، مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد اول، ارگ بم، سازمان میراث فرهنگی کشور، کرمان ۱۳۷۵: ۶۰۴-۵۸۹.
- عرب، کاظم، «گچ‌بری‌های برج مقبره خواجه اصیل‌الدین قم»، گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۷۶: ۲۵۶-۲۵۱.
- عرب، کاظم، «گزارش تحقیق و معرفی هفت بنای تاریخی و ارزشمند قم بازمانده از سده هشتم هجری»، فصلنامه علمی، فنی و هنری اثر، ش ۳۳ و ۳۴، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۴۶.
- عرب، کاظم و سید احمد موسوی، «گمانه‌زنی و پی‌گردی در مقابر باغ گنبد سبز قم»، نامه پژوهشگاه، ش ۲۰ و ۲۱، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، تهران ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۲۱.
- غروی، مهدی (۱۳۷۶)، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- فقیه میرزایی، گیلان، «مزارستان تخت فولاد اصفهان»، مجله میراث فرهنگی، سال سوم، شماره‌های ۷-۶، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۷۱: ۹-۱۴.
- گرابار، الگ، «اولین بناهای یادبود اسلامی»، [ترجمه: کلود کرباسی]، فصلنامه علمی، فنی و هنری اثر، ش ۲۷-۲۶، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۷۵: ۵۹-۱۶.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، سفرنامه، ترجمه محمد جلیلود، نشر مرکز، تهران.
- گلمبک، لیزا و دونالد ویلبر (۱۳۷۴)، معماری تیموری در ایران و توران، [ترجمه: محمد یوسف کیانی و کرامت‌اله افسر]، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- ماتیسون، سیلویا (۱۳۸۰)، راهنمای گردشگری و باستان‌شناسی در ایران، [ترجمه قسمت مربوط به همدان: منیژه اذکایی، در همدان‌نامه: تألیف دکتر پرویز اذکایی]، نشر مادستان، همدان.
- مستوفی قزوینی، حمداله (۱۳۶۲)، تاریخ گزیده، [به اهتمام عبدالحسین نوایی]، دنیای کتاب، تهران.
- مستوفی قزوینی، حمداله (۱۳۷۸)، نزهة القلوب، [به کوشش محمد دبیر سیاقی]، انتشارات طه، تهران.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۳۲)، هگمتانه: آثار تاریخی همدان، انجمن آثار ملی، تهران.

ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۷۸)، دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی: بناهای آرامگاهی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران.

نظری‌ارشد، رضا (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل باستان‌شناختی بناهای آرامگاهی دوران سلجوقی و ایلخانی استان همدان»، رساله دکتري باستان‌شناسی، گرایش دوران اسلامی، [به راهنمایی دکتر محمود طاووسی]، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

نیستانی، جواد (۱۳۸۳)، «پژوهشی در بناهای آرامگاهی مازندران مرکزی در قرن ۹ هجری (با تأکید بر ویژگی‌های معماری بومی)»، رساله دکتري باستان‌شناسی، گرایش دوران اسلامی، [به راهنمایی دکتر محمود طاووسی]، دانشگاه تربیت مدرس، تهران. ویلبر، دونالد (۱۳۶۵)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، [ترجمه: عبدالله فریار]، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

هیلن‌براند، روبرت (۱۳۷۴)، «معماری» در هنرهای ایران، [تألیف دبلیو فریه، ترجمه: پرویز مرزبان]، نشر و پژوهش فرزانه، تهران: ۱۰۷-۸۱.

هیلن‌براند، روبرت (۱۳۸۳) معماری اسلامی: عملکرد، شکل و معنا، [ترجمه: باقر آیت‌اله‌زاده شیرازی]، روزنه، تهران.

Kleiss, W. 1971. Erkundungsfahrten in Iran 1970, *AMI* 4: 106-109.

Kleiss, W., 1975. Islamische kultbauten in west Iran, V, *AMI* 8: 241- 253.

Mousavi, A., 2003. Hamadan Monuments, *Encyclopedia Iranica*, Vol XI, Fasc 6: 612- 613.